



# روحانیت - و - فرآیند توسعه اجتماعی

مجله فلسفه



در این گزاره ها دقت کنید:

۱. ایران، کشوری توسعه نایافته است.
۲. توسعه همه جانبه، گریز ناپذیر است.
۳. الگوهای توسعه، با ساختارهای فرهنگی جوامع، تغییر می یابند.
۴. شالوده فرهنگ و تمدن ایران امروز و نظام حکومتی برخاسته از آن، با جوهره ایرانییت و اسلامیت، عجین شده است.

استنتاج منطقی از گزاره های فوق چنین است:

نیل و دستیازی به یک توسعه آرمانی، بدون تساهم و مشارکت پر رنگ و هوشمندانه سازمان روحانیت به عنوان تبیین کننده اصلی و اصیل خواست دینی جامعه ما، نامیسور می نماید.

با این مدخل، بایسته است پاسخ چند پرسش، دانسته گردد:

۱. توسعه چیست؟
۲. موضوع و هدف آن کدام است؟
۳. ابعاد توسعه (فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و...) چیست؟
۴. سهم نظام روحانیت در توسعه همه جانبه کشور به چه میزان است؟

## مفهوم توسعه: (Development)

یافتن واژه یا واژه هایی که همه اقسام توسعه را در تمامی مکاتب علمی - فلسفی در خود گنجانده و آورد، بسیار دشوار به نظر می رسد. شاید ساده ترین عبارت برای توسعه که مورد اتفاق همگان نیز باشد این عبارت باشد: «فرآیند بهبود بخشیدن به کیفیت مادی و معنوی زندگی همه مردم» و البته این تعریف، مفهوما و مصداقا در تفسیرهای هر مکتب علمی - فلسفی، بازتاب های خاص خود را نمایان می سازد. استفاده وسیع از اصطلاح توسعه به معنای «پیشرفت» پدیده ای است که به دوران پس از جنگ جهانی دوم تعلق دارد. این اصطلاح، پیش از این با مفاهیمی چون «رشد»، «انوگرایی»، «دموکراسی»، «اخلاقیت»، «صنعتی شدن» و پاره ای از تغییرات تاریخی و تکنیکی مربوط به غرب، هم معنا بود. این اصطلاح در آغاز، توسط پژوهشگران و

سیاستگذاران آمریکایی مطرح شد و سپس به سرعت به اروپا انتقال یافت و پس از آن به کشورهای کمتر صنعتی شده جهان معرفی شد. علل فراوانی برای این تقسیم بندی و کاربرد آن وجود دارد که برخی سیاسی - اقتصادی و بعضی فرهنگی - روانی هستند.

ایالات متحده آمریکا پس از جنگ جهانی دوم به عنوان قدرت برتر تلاش داشت تا کشورهای مغلوب (آلمان، ژاپن و ایتالیا) و کشورهای نوظهور غیر غربی در آسیا و آمریکای لاتین و آفریقا را به گونه ای مسالمت آمیز از طریق اصلاح و بازسازی های تدریجی، به کشورهای پادموکراسی سبک غربی تبدیل کند. همچنین علاقه شدید جامعه آکادمیک آمریکا و پژوهشگران اروپا و سایر مناطق به بررسی جوامع غیر غربی تحت نام کشورهای رو به توسعه، نه تنها باعث افزایش محبوبیت اصطلاح توسعه شد، بلکه به رشد مفهومی و روش شناسی آن نیز دامن زد. باید گفت پس از آن که جوامع غیر غربی، سالها با عناوینی چون «عقب مانده»، «غیر صنعتی» و «رشد نیافته» خوانده می شدند، اینک از اصطلاح «توسعه یافته» و «توسعه نیافته» استفاده شود که با کنار زدن کلیشه های قدیمی، بار روانی مثبتی به وجود می آورد.

البته در گذشته های دور، توسعه به عنوان یک مفهوم مترادف با رویکرد نوین در آراء «ابن خلدون»، اندیشمند مسلمان نیز مطرح شده بود. لویه وجود دو نوع جامعه اشاره می کند: جامعه بدوی و اولیه، جامعه متمدن و پیچیده. جامعه متمدن که از شهرنشینی ناشی می شود بر سه عامل متکی بود: جمعیت، منابع طبیعی و کیفیت حکومت. با این همه، تداوم توسعه در نظر ابن خلدون، تنها به پیشرفت کمی بر حسب رشد اقتصادی محدود نمی شد و پاره ای از عوامل اجتماعی، روان شناسی، فرهنگی و سیاسی نیز برای تداوم توسعه در جامعه متمدن، ضروری بودند.

اما نظریات نوین درباره توسعه، مربوط به دوران پس از جنگ جهانی دوم هستند. نظریه رایج در دهه های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ میلادی که بر اساس آن توسعه به عنوان یک پدیده صرفا اقتصادی انگاشته می شده به نظریه «رختنه به پایین» معروف بود و وظیفه اصلی این بود که رشد به هر نحوی تأمین شود، در حالی که مسایل مربوط به فقر و بیکاری و توزیع درآمد، از

● **عدم کارایی الگوهای وارداتی توسعه در کشورهایی مانند ما که در زیربناهای خود با کشورهای صادر کننده مدل‌های توسعه نامتجانس هستند، امری مشکل ساز تلقی شده، زیرا اصطلاح توسعه به شکلی که امروز به کار می‌رود به جای آن که مبشر پیشرفت، رشد انسانی و جامعه جهانی باشد، به سطح سیاست‌ها، برنامه‌ها و اهداف پراکنده، تنزل یافته است.**

اهمیت ثانوی برخوردار بود.

در مورد انسان و جامعه، تکامل نیازمندیهای اجتماعی است، حضور انسان در نظام، موجب پیدایش توسعه می‌گردد.

### مراحل رشد در نظریه روستو:

«روستو» از کسانی بود که از تمایلات جدید کردارهای انسانی برای پیشرفت علم، کوشش برای پیشرفت مادی و... سخن گفته است. او که یک تاریخدان و در ضمن قائم مقام ویژه معاون رئیس جمهور آمریکا در امور امنیت ملی بود، برای توجیه جریان توسعه اقتصادی، از دیدگاه تاریخی استفاده کرد و معتقد بود که هر یک از کشورهای جهان در یکی از مراحل رشد اقتصادی قرار گرفته است. کتاب معروف روستو، «جریان رشد اقتصادی» نام دارد.

### رسانه‌ها و توسعه در نظریه لرنر:

«لرنر» از کسانی بود که می‌گفت باید از لفاف جامعه سنتی و فرهنگ و ارزش‌های آن خارج شد. کتاب معروف او «گذر از جامعه سنتی» نیز همین همین‌گرایش بود. او معتقد بود که دسترسی به رسانه‌های جمعی پیش شرط شرکت در جامعه مدرن است.

### نوگرایی و توسعه در آراء هانتینگتون و نلسون:

ساموئل پی. هانتینگتون و جوان‌ام نلسون، برای بررسی مشارکت سیاسی در جهان سوم، نوگرایی و توسعه را این گونه تعریف کردند:

از واژه‌های نوگرایی و توسعه، برای اشاره به روند همه جانبه تغییرات اجتماعی، اقتصادی، فکری، سیاسی و فرهنگی که با گذار جوامع از فقر، روستائینی و کشاورزی و وصول به شهرنشینی و صنعتی شدن همراه است، استفاده می‌شود.

### ضرورت پرداختن به مقوله توسعه:

بدیهی است که جوامع انسانی همواره روبه سوی توسعه دارند و توسعه از ضروریات جوامع است. این ضرورت را در سه سطح می‌توان ملاحظه کرد:

#### الف. ضرورت تکاملی

یعنی وقوع توسعه به صورتی طبیعی و خارج خواست انسان، در سیر تاریخی، روشن است که پایگاه اصلی توسعه

### ۱. تکامل تاریخی در دیدگاه مادی

در تکامل، حرکت دورانی تاریخ تبدیل به حرکت خطی می‌شود و تاریخ در سیری یگانه از (Bigbang) شروع شده و حلقه‌های زنجیره تکامل را یکی پس از دیگری طی می‌کند و در نهایت به تکامل اجتماعی می‌رسد. تکامل اجتماعی و تاریخی دارای سمت و سویی معین است و به صورتی خطی و بازگشت‌ناپذیر به‌اجل محتوم خود نزدیک می‌شود.

در این تفکر، زمان، خصیصتی مادی یافته و از درون پدیده‌ها، عبور می‌کند و سخن از پروسه و دوران‌های تاریخی به میان می‌آید.

### ۲. تکامل تاریخی در دیدگاه پوزیتیویستی

بارزترین چهره تفکر پوزیتیویستی، آگوست کنت می‌باشد. در فلسفه کنت، اعتقاد به پیشرفت نامتناهی جایگزین مشیت الهی می‌شود و مفهوم بشریت هم، جانشین الوهیت می‌گردد. به عقیده او هر رشته از معلومات انسان، به مرور زمان، سه مرحله را می‌پیماید:

\* مرحله ربانی که تخیلی است.

\*\* مرحله فلسفی که تعقلی است.

\*\*\* مرحله علمی که تحققی است.

در مرحله ربانی، انسان جریان امور طبیعت را ناشی از اراده فوق طبیعت می‌داند، در مرحله فلسفی عقل انسان بر تجربه و انتزاع، توانا شده و جریان امور طبیعت را منتسب به قولی می‌کند که خودشان نهانی ولی آثارشان آشکار است. در مرحله علمی تحققی، تخیل و تعقل هر دو تابع مشاهده و تجربه می‌شوند، آنچه معتبر است، امر مشهود است و مرحله علمی به امور مطلق نمی‌پردازد چون آن امور به تجربه در نمی‌آیند و تجربه و مشاهده، ادراک امور مطلق را نمی‌کند بلکه فقط امور نسبی و اضافی را معلوم می‌سازد.

### ۳. تکامل تاریخی در دیدگاه الهی

در مقابل دو تفکر یاده شده، از منظر جهان بینی الهی -



● از نظر فلسفی، توسعه به معنای تکامل، امری اجتناب‌ناپذیر است، اما این تکامل صرفاً در تکامل تکنیک

و مدرنیزه شدن زندگی و توسعه یافتن بهره‌وری خلاصه نمی‌شود. توسعه مطلوب عبارت است از:

گسترش هماهنگ شوون مختلف جامعه اعم از سیاست، فرهنگ و اقتصاد به نحوی که آثار این گسترش،

تقرب هر چه بیشتر انسانها را به خداوند فراهم نماید.

می‌شود.

ب. توسعه سیاسی به معنای توسعه در تمایلات و گرایشات اجتماعی مردم. در این دیدگاه، سیاست به معنای قلمرو انگیزه‌ها و تمایلات در نظر گرفته شده و توسعه سیاسی در واقع، رشد و تحول در تمایلات جامعه است. در چنین تعریفی، صرفاً توسعه اقتصادی و وصول به مادیات و رفاه، اصل نیست بلکه تحول در گرایشات جامعه، اصل قرار گرفته است، چرا که شالوده تمامی افعال و کنش‌های فردی و اجتماعی افراد یک جامعه، کنش‌ها و تمایلات آنهاست. بنابراین در دیدگاه الهی، توسعه سیاسی به معنای دگرگونی ارزش‌ها و تمایلات به سمت الهی شدن است.

## ۲. توسعه فرهنگی:

در این توسعه نیز از دو زاویه می‌توان به موضوع، نگریست:

الف. تحول و دگرگونی در فرهنگ: فرهنگ در این دیدگاه، مجموعه‌ای از الگوهای رفتاری، عقاید، رفتارها و هنرهای یک جامعه است که بایستی متحول و بهینه شود. این بهتر شدن را توسعه فرهنگی نام داده‌اند.

ب. فرهنگ به عنوان روش و نرم‌افزارهای اجتماعی یا اطلاعات: این تعریف از فرهنگ، جایگزین ذهن در بعد فردی جامعه است. در اینجا فرهنگ عمدتاً به معنای دانش‌ها و روش‌ها یا نرم‌افزارهای اجتماعی است و هدف توسعه و تکامل آن، صرفاً دستیابی به توسعه اقتصادی نمی‌باشد.

## ۳. توسعه اقتصادی

این نوع توسعه در معنای مصطلح آن، فرآیند رشد کل درآمد و درآمد سرانه در کشورهای در حال توسعه است. مهم‌ترین هدف توسعه اقتصادی اعتدالی سطح زندگی مردم می‌باشد.

## اهداف توسعه

اهداف توسعه در دیدگاه‌های مختلف با توجه به مبانی فلسفی آن نگرش‌ها، تعیین می‌شود که در نهایت به دو گروه منتهی می‌گردد:

اسلامی، نظام هستی به گونه‌ای مرتبط و به هم پیوسته خلق شده و حرکت روبه سوی پروردگار دارد. در این مسیر مشیت خداوند از مجرای اراده مقام خلافت الهی جاری می‌گردد. بنابراین نظام‌های مبتنی بر این دیدگاه، قهراً در الگوی توسعه خود، با نظام‌های دیگر، متفاوت خواهد بود.

## ب. ضرورت پرداختن به توسعه در حوزه نظری

عدم کارایی الگوهای وارداتی توسعه در کشورهایی مانند ما که در زیربنای خود با کشورهای صادر کننده مدل‌های توسعه نامتجانس هستند، امری مشکل‌ساز تلقی شده، زیرا اصطلاح توسعه به شکلی که امروز به کار می‌رود به جای آن که میسر پیشرفت، رشد انسانی و جامعه جهانی باشد، به سطح سیاست‌ها، برنامه‌ها و اهداف پراکنده، تنزل یافته است. بنابراین لازم است تا تعاریف و الگوهای توسعه فرهنگ‌های بیگانه جای خود را به تعاریف و الگوهای توسعه بر اساس فرهنگ خودی بدهد.

## موضوع توسعه

برای آشنایی با موضوع توسعه لازم است، انواع توسعه را به طور خلاصه مرور کنیم:

## ۱. توسعه سیاسی:

دو کاربرد برای این اصطلاح ممکن است: الف. توسعه سیاسی به معنای پیشرفت در کشورداری و روابط ساختارهای حکومتی: در این حالت برای رسیدن به توسعه اقتصادی، بایستی، ساختار حکومتی و سیاسی مناسبی به وجود آورد. دولتمردان بایستی خود به توسعه فکری دست یافته باشند تا بر اساس ذهنیت بارور شده آنها، تولید اقتصادی و رفاه مادی حاصل آید. اصولاً توسعه سیاسی یک بعد از ابعاد چندگانه توسعه ملی است که در دو محور منجلی می‌شود:

توسعه کارایی و نهادمندی سیستم سیاسی (دولت)  
توسعه کارایی و نهادمندی حوزه تفاهم ملی (گستره همگانی)

توسعه سیاسی در حوزه دولت و در حوزه گستره همگانی، منجر به تحقق، تداوم و افزایش مشروعیت سیاسی



● جامعه ما امروز صحنه کشمکش سه فرهنگ است: فرهنگ ملی، فرهنگ دینی و فرهنگ غربی. بی شک باید هوشمندی در برقرار ساختن رابطه‌ای توجیه‌پذیر، آرمان‌گرا و خلاق میان این سه فرهنگ و زبده‌گزینی و رهنمون ساختن اندیشه غیر خودی در مسیر باورهای خودی مهم‌ترین و اصلی‌ترین دغدغه متولیان فرهنگ ما باشد.

### ۱. توسعه در دستگاه اصالت ماده:

در دیدگاهی که حاکمیت جبری ماده بر روند تحولات اجتماعی، اصل است، توسعه ابزار و امکانات، شاخصه محوری توسعه اجتماعی و مفسر الگوی توسعه انسانی است. عملکرد مبتنی بر این نگرش عبارت است از:  
الف. توسعه تکنولوژی و کنترل نحوه صدور آن به کشورهای در حال توسعه.

ب. حاکمیت فرهنگی از طریق ایجاد الگوی تقاضا و مصرف جدید و نیز به وسیله روابط انسانی و اخلاقیات متناسب.

ج. به کارگیری نیروهای داخلی در کشورهای جهان سوم به نفع سرمایه‌داران خارجی (در نظام سرمایه‌داری).  
در نظریه‌های غربی مربوط به توسعه انسانی، چه نظریه‌های لیبرال دموکرات و چه نظریه‌های مارکسیستی، هر دو از یک فرض مشترک ناشی شدند و آن عبارت بود از این که توسعه جوامع، مستلزم وجود سازمان جدید اقتصادی و اجتماعی است تا جایگزین ساختار سنتی شود.

لازم به یادآوری است که آنچه تاده‌های اخیر موضوع بحث اندیشمندان را در مقوله توسعه تشکیل می‌داد، مسأله تحول در زندگی اقتصادی و افزون شدن میزان رفاه و آسایش افراد یک جامعه بود، اما در سالهای اخیر در اکثر نوشته‌های مربوط به توسعه، عنایت خاصی به توسعه در ابعاد فرهنگی و سیاسی نیز صورت گرفته است، با این حال، توسعه اقتصادی همچنان در صدر قرار داشته و با توجه به زیربنای فکری جوامع پیشرفته و توسعه یافته امروزی، دستیابی به توسعه‌های فرهنگی و سیاسی نیز با اهداف افزایش نرخ رشد توسعه اقتصادی مطرح می‌شود.

### فرضیه‌های موجود در باره تقسیم جهان در

#### بحث توسعه:

#### ۱. فرضیه سه جهان

از آنجا که در قرن بیستم، صنعتی شدن در سیستمی جهانی صورت می‌گیرد که در این مجموعه، ثروت و قدرت به طور نامساوی تقسیم شده است، کشورها بنا بر شاخصه‌های سیاسی و اقتصادی، طبقه‌بندی می‌شوند که عبارتند از: بر قدرت‌ها - سایر کشورهای توسعه یافته - کشورهای توسعه نیافته.

### ۲. فرضیه دو جهان

الف. تقسیم‌بندی بر حسب غرب - شرق (کشورهای توسعه یافته سرمایه‌داری - کشورهای سوسیالیستی)  
ب. تقسیم‌بندی بر حسب شمال - جنوب (کشورهای ثروتمند شمال - کشورهای فقیر جنوب)

### ۳. فرضیه جهان واحد

این فرضیه که توسط تئوریسین آمریکایی «امانوئل والرشتاین» پیشنهاد شده از نظر تاریخی جدیدتر از نظریه‌های قبلی است. در این تئوری یک سیستم جهانی توسعه یافته مطرح شده است. «والرشتاین» ادعا می‌کند که چیزی به جز یک دنیای اقتصادی وجود ندارد و آن اقتصاد سرمایه‌داری جهانی است که از قرن هفدهم رو به گسترش و این اقتصاد، در واقع به نوعی، بین‌المللی است یعنی دولت‌ها و ملت‌ها با هر گرایشی، به شدت تحت تأثیر توسعه اقتصاد جهانی قرار می‌گیرند و تبعی می‌شوند.

### تعریف توسعه مطلوب

برای دستیابی به توسعه اجتماعی صحیح، ابتدا باید سرمایه‌گذاری کافی جهت پی‌ریزی اصول حاکم بر برنامه توسعه و به دنبال آن، تحقیق به منظور دستیابی به برنامه‌های جامع توسعه که هماهنگ با اهداف الهی باشد انجام داد. از نظر فلسفی، توسعه به معنای تکامل، امری اجتناب‌ناپذیر است، اما این تکامل صرفاً در تکامل تکنیک و مدل‌نیزه شدن زندگی و توسعه یافتن بهره‌وری خلاصه نمی‌شود. توسعه مطلوب عبارت است از: گسترش هماهنگ شئون مختلف جامعه اعم از سیاست، فرهنگ و اقتصاد به نحوی که آثار این گسترش، تقرب هر چه بیشتر انسانها را به خداوند فراهم نماید.

### توسعه و مدیریت جامعه

با مقدمه فشرده‌ای که درباره توسعه آورده شد، کمی به اصل بحث یعنی جایگاه نظام روحانیت در فرآیند توسعه جامعه ما، معلوم می‌شود. از آنجا که مفهوم برنامه‌ریزی و مدیریت معادل با سرپرستی و ولایت است، حقیقت برنامه‌ریزی توسعه اجتماعی جز سرپرستی جامعه در امور مربوط به توسعه نیست و مدیریت توسعه شامل سرپرستی



● اگرچه سازمان روحانیت در بیست سال گذشته در زمینه توسعه سیاسی تا حدود زیادی موفق بوده است

و توانسته سطح فرهنگ سیاسی مردم را بالا ببرد و در عمل نیز مشارکت سیاسی آنان را جلب نماید

(برگزاری بیش از ۲۰ انتخابات در دو دهه گذشته گواه این مدعاست)

و ساختارهای سیاسی نظیر مجلس، شوراها و غیره را فعال نماید اما باید اذعان کرد که هنوز تا رسیدن به یک

شعور سیاسی بالا و از آن مهم تر ثبات سیاسی، فاصله داریم. هنوز بسیاری از مشکلات و بحران‌های کشور

باید با تدبیر مستقیم رهبری، حل و فصل شود.

را به تند باد فاسیسم و زمامی نیر در پاسداشت آیین کهنی خویش، هرگونه توسعه‌ای را که رنگ و بوی غربی داشت، نفی و طرح نموده‌ایم.

اصولاً هیچ فرهنگ و تمدنی بدون یک هاضمه فوی فرهنگ ساز توان رویارویی با فرهنگ‌ها و تمدن‌های غیر خودی را ندارد. الگوی توسعه نیز یک متاع فرهنگی است که در صورتی که در چارچوب جغرافیایی آرمانی خودی تعریف شود، نه تنها مضر نیست بلکه بسیار رهگشا و دلکش خواهد بود. جامعه ما امروز صحنه کشمکش سه فرهنگ است: فرهنگ ملی، فرهنگ دینی و فرهنگ غربی. بی شک باید هوشمندی در برقرار ساختن رابطه‌ای توجیه‌پذیر، آرمان‌گرا و خلاق میان این سه فرهنگ و زبده‌گزینی و رهنمون ساختن ندیشه غیر خودی در مسیر باورهای خودی مهم‌ترین و اصلی‌ترین دغدغه متولیان فرهنگ ما باشد.

و دقیقاً همین جاست که نقش عالمان دینی در بازسازی و ترمیم آموزه‌های دینی و ارائه تعریفی نو از «توسعه» بر «محور دین» آشکار می‌شود. کاری که از هاضمه ناتوان خرد انسان امروز، برنپایه است.

### گونه‌های مشارکت روحانیت در توسعه

بدیهی است که جهت‌گیری مباحث این بخش بر اساس نظام مبتنی بر حکومت الهی (ولایت فقیه) استوار است و مسلمان‌نقش روحانیت در نظام‌های غیر الهی، به گونه دیگری تعریف می‌شود.

پیدایش انقلاب اسلامی، این مژده را به همه اصول‌گرایانی که معتقد به توسعه هم بودند داد که اینک گاه آن‌ها رسیده که توسعه بر مبنای هاضمه فرهنگ ساز، ولو در یک اشل کوچک، شکل گیرد. یعنی جامعه‌ای بوجود آید که در عین تحفظ بر اصول و پایه‌های ارزشی و باورهای ناب خود، نیک‌فرجامی مادی و رفاه و پیشرفت اقتصادی را برای مردم خود به ارمغان آورد.

اگر چه بسیاری از این آرمان‌ها و نگره‌ها خصوصاً در ابعاد توسعه سیاسی و استقلال و اقتدار فرهنگی به‌بارنست،

اخلاق و روحیات، تفکرات و اندیشه‌ها و رفتار عینی جامعه است. توجه به این نکته ضروری است که عنصر اصلی و جهت دهنده در این سه بخش، هدایت‌انگیزه‌ها و تمایلات و اخلاق اجتماعی به سوی مقاصد توسعه است. بنابراین در جامعه‌ای که مدیریت آن، الگوهای توسعه جهان مادی را در بست و تمام عیار پذیرفته باشد، توسعه مطلوب تحقق نمی‌پذیرد، چرا که خود مدیران توسعه غربی نیز به برخی نتایج و آثار زیان‌بار توسعه مدرن، اقرار کرده‌اند. آثاری نظیر: آلودگی محیط زیست، از خود بیگانگی، عدم پایداری به اصول و ارزش‌های جامعه، احساس غربت و تنهایی، افزایش اختلالات روانی، تشدید فاصله طبقاتی، از هم پاشیدگی نهاد خانواده، اضمحلال حس وطن‌دوستی، کاهش زمینه‌های اشتغال و...

یکی دیگر از پیامدهای سوء مدیریت آسیون، اشاعه روند سکولاریزاسیون می‌باشد به این معنا که منطق و علم و تجربه، جایگزین باورهای مذهبی به ویژه در قلمرو مسایل اجتماعی می‌شود.

بنابراین جوامع توسعه نیافته‌ای مانند جامعه ما، در یک آزمون بسیار خطیر و دشوار قرار گرفته‌اند. از سویی روند تحولات جهانی به گونه‌ای است که بدون افتادن از قافله مدیت و فن آوری‌های نوین، امری ناممکن و نامعقول تلقی می‌شود لذا، حرکت همپایی با نوآوری‌های روز، تخلّف ناپذیر است (مگر در قبایل بدوی جنگل‌های آمازون که بعضاً هنوز در دوران پارینه سنگی زیست می‌کنند) و از سویی دیگر، تفلن به این نکته که حلقه بست و پیوست شدن فرهنگ و تمدن غربی نیز فرجام خوشی به دنبال ندارد و پذیرش الگوی توسعه غربی آن هم به گونه‌ای تمام عیار و ذلیلانه در بهترین شکل ممکن، ما را به گردابی وارد می‌سازد که هم اکنون جامعه مدرن و پست مدرن در گیر با آنند. به همین دلیل است که متأسفانه اندیشه توسعه‌ورزی در کشورهای جهان سومی و مسلمان ایران، در یکصدساله اخیر همواره قرین افراط و تفریط بوده است. زمانی آن چنان سنت‌ها و باورهای ملی - مذهبی جامعه را به تمنای در آغوش کشیدن تمدن جدید، پایمال کرده‌ایم که هویت خویش



## ● پس از مسلم انگاشتن این فرضیه که روحانیت باید در عرصه

فرضیه‌سازی و موزون ساختن مبانی توسعه با ارزش‌های دینی به تلاشی متدیک هم‌گام‌د -

کاری که تاکنون انجام نپذیرفته است - نوبت به جنبه‌های عینی مشارکت روحانیت در توسعه همه جانبه

نظام می‌رسد.

### روحانیت، الگوساز توسعه بر مبنای دین

همان گونه که در مطالب پیشین گفته شد، پیش از هر توسعه‌ای، بایسته است تا مبانی نظری توسعه، معین گردد. در نیم قرن اخیر عمدتاً دو کلان‌الگوی توسعه در سطح جهانی دنبال شده است:

۱. توسعه به سبک کشورهای سرمایه‌داری (آمریکا، بخش اعظمی از اروپا، ژاپن، کره جنوبی و...)
۲. توسعه بر نسق کشورهای سوسیالیستی (اتحاد جماهیر شوروی، چین، کشورهای شرق اروپا، کوبا، کره شمالی و...) البته در این سالها، گاهی تئوری‌های توسعه بینابینی یا حتی مستقل نیز مطرح شد که برخی نیز توفیقات چند به دنبال داشت. اما چیزی که ملاک و پایه اصلی همه فرضیه‌های توسعه قرار داده شده است دنیامحوری و ماده‌گرایی بوده است.

انقلاب اسلامی در صدد برآمد که با ارائه توسعه نوینی، به تکامل هر دو جنبه آدمی یعنی مادیت و معنویت بپردازد، کاری که در قرن حاضر و پس از طرح تئوری‌های توسعه، کاملاً بی‌سابقه بود. این نظریه‌پردازی باید حاوی اصول و بنیان‌های زیر باشد:

۱. به رسمیت شناختن «انسان» به عنوان محور همه حرکت‌های پیامبران و مصلحان و همه چیز را در خدمت آن دانستن.
۲. رشد و تعالی معنوی انسان‌ها بر اساس معارف و حیاتی‌ویاسدات باورها و ارزش‌های الهی.
۳. پذیرش خردباوری و عقل‌گرایی همپای معرفتی و وحی در آموزه‌های دینی.
۴. ایجاد رفاه و زندگی قابل قبول با توجه به استانداردهای امروزی برای همه افراد جامعه در ابعاد: فرهنگی (آموزش، پرورش، هنر، ورزش و...)، بهداشتی، اقتصادی، (اشتغال، بیمه، درآمد و...)، ازدواج و...،
۵. حفظ حرمت اندیشه و صاحبان فکر با تکیه بر نفی مطلق انگاری و جزم‌اندیشی بی‌منا و نیز اعطاء آزادی‌های مشروع به همه طبقات اجتماعی.
۶. ایجاد فضای سالم خیرجویی و ترویج فضیلت‌های ستایش شده.
۷. بنسب عدالت اجتماعی و اقتصادی و رفع زمینه‌های فقر.

اما در کثیری از ابعاد توسعه نیز به نتیجه دلخواه نرسید. بازشناسی سویه‌های گوناگون این رکود مطمئناً در این صفحات نمی‌گنجد. بی‌شک فشارهای داخلی و خارجی از سوی آنان که این رخداد دل‌انگیز را بر نمی‌تافتند سهم به‌سزایی در این ناکامی داشت. اما از نقش نیروها و عناصر و نهادهای داخلی و وابسته به نظام نیز نمی‌توان غافل ماند. در این میان، بیشترین انتظارات از سازمان روحانیت به عنوان موتور محرک جامعه پس از انقلاب، توقع می‌رفت، چه که حکومت اسلامی مولود پاک حوزه‌ها بود. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، تلاش حوزویان بیشتر در تهیه و تدوین نظام‌نامه قانون اساسی در مجلس خبرگان و مجلس شورای اسلامی و قوه قضاییه و برخی دیگر از نهادهای برخاسته از انقلاب، متمرکز بود.

روحانیت انقلاب، در این دوران نقش نظریه‌پردازان و ایدئولوگ‌های انقلاب را ایفا می‌کردند. اما پس از اشغال لانه جاسوسی و تحولانی که پس از آن در عرصه سیاسی نظام به وجود آمد، حضور روحانیون در عرصه‌های مختلف، پررنگ‌تر شد. بی‌آن که استراتژی و طرح نهاده شده‌ای در عقبه این حضور، فراهم آمده باشد. در دو دهه گذشته، امام راحل و رهبر معظم انقلاب با احساس خلاءهای فکری مدیریتی نظام، گاه و بی‌گاه، وظایف حوزه و نیازهای نظام را گوشزد می‌کردند. در قلمروهایی نظیر: تدوین فرهنگ عمومی کشور، تعیین الگوهای اسلامی تولید مصرف، تثبیت ارزش‌های اسلامی، تحقق عدالت اجتماعی و... اما هیچ‌گاه ترابط حوزه و نظام به صورت کلاسیک، برنامه‌ریزی و اجرا نشد. اگر حوزه‌ها و روحانیت در دو دهه گذشته سهمی در توسعه اجتماعی ایران اسلامی داشته‌اند - که قطعاً چنین بوده است - بیشتر از ابتکارات شخصی رهبران و عناصر دلسوز بوده است تا برنامه‌های مدون و هدفمند.

به هر حال امروز بیش از هر زمانی، نیازمند آنیم که خود را باز یابیم، تعریف کنیم، آن‌گاه مطابق تعریف، بازسازی نماییم. نظام روحانیت در کجای جغرافیای حکومت قرار دارد؟ مسؤلیت‌های آن چیست؟ و...

پس از این و اشکافی است که نوبت به بحث «توسعه» می‌رسد، روحانیت چگونه و تا چه میزان می‌تواند در توسعه همه جانبه کشور، تأثیر داشته باشد؟

● به هر حال امروز بیش از هر زمانی، نیازمند آنیم که خود را باز یابیم، تعریف کنیم، آن گاه مطابق

تعریف، بازسازی نماییم. نظام روحانیت در کجای جغرافیای حکومت قرار دارد؟ مسؤلیت‌های آن چیست؟

و... پس از این واشکافی است که نوبت به بحث «توسعه» می‌رسد، روحانیت چگونه و تا چه میزان می‌تواند

در توسعه همه جانبه کشور، تأثیر داشته باشد؟

و نهادمندی گستره همگانی) و چه توسعه سیاسی به معنای توسعه در تمایلات و گرایش‌های اجتماعی مردم.

اگرچه سازمان روحانیت در بیست سال گذشته در زمینه توسعه سیاسی تا حدود زیادی موفق بوده است و توانسته سطح فرهنگ سیاسی مردم را بالا ببرد و در عمل نیز مشارکت سیاسی آنان را جلب نماید (برگزاری بیش از ۲۰ انتخابات در دو دهه گذشته گواه این مدعاست) و ساختارهای سیاسی نظیر مجلس، شوراهای غیره را فعال نماید اما باید اذعان کرد که هنوز نارسیدن به یک شعور سیاسی بالا و از آن مهم‌تر ثبات سیاسی، فاصله داریم. هنوز بسیاری از مشکلات و بحران‌های کشور باید با تدبیر مستقیم رهبری، حل و فصل شود. هنوز مملکت‌ها در رأی دادن‌ها، شناخت و آگاهی کافی نیست. نظام روحانیت می‌تواند با ارزیابی و تحلیل علمی و واقع بینانه رخدادها و انتقال صحیح آن به مردم، در هوشیاری و عملکرد به جای آنان در مواقع حساس تأثیر گذار باشد متأسفانه بسیاری از تریبون‌های نماز جمعه فاقد اطلاع رسانی‌های به روز و مباحث سیاسی مفیدند. زمانی بود که بسیاری از مردم و حتی رسانه‌ها منتظر خطبه‌های نماز جمعه تهران و تحلیل‌های رئیس‌جمهور و رئیس مجلس وقت بودند. روحانیت نباید این جایگاه و منزلت را از دست بدهد. امروز نباید رخدادها و حوادث سیاسی از پیش روحانیت سبقت گیرد. بارها و بارها گفته شده چرا نباید در حوزه‌ها درس علم سیاست و مسائل وابسته برگزار کرد؟ همواره نمی‌توان با تبلیغ سنتی و کهن، مردم را در عرصه‌های سیاسی پرشور نگه داشت.

روحانیت امروز باید مدافع مشارکت مردم در نهادهای برنامه ریز و تصمیم گیرنده جامعه باشد و نباید این شبهه جای افتد که «روحانیون با توسعه سیاسی و حضور مردم در قدرت مخالفند» که قطعاً چنین نیست.

مطمئناً دوام و بقای روحانیت در عرصه سیاست کشور مستلزم اصلاح ساختار نامتجانس آن با فضای کنونی و نیز قوی ساختن بنیه آنان در قلمروهای مختلف از جمله فهم سیاسی است. برگ برنده‌ای که همواره در دست عالمان دینی است. صفا و دوری از دنیا و پرهیز از سیاست بازی است که به همین دلیل، همیشه محل اعتماد و ملجأ شیئات مردم بوده‌اند. لذا این قدامت و صمیمیت را باید پاس داشت.

و... پرواضح است که در تعداد و کیفیت این اصول می‌توان مناقشه نمود، اما چیزی که مسلم است آن است که سازمان روحانیت وظیفه مند است تا پاسخ‌های در خور و عملی برای این نیازها ارائه کند.

یقیناً در این فرآیند، استفاده از دستاوردهای پرارزش نظام‌های غیرخودی نیز بسیار به کار می‌آید. طرد و نفی مطلق علمی - فلسفی و تجربی مغرب زمینیان، ره به جایی نخواهد برد. مهم آن است که عالمان دینی بتوانند در عین اجتناب از التقاط فرآورده‌های مبارک دیگران را متناسب با آموزه‌ها و اقتضائات خودی به خدمت در آورند. حوزه‌ها باید در مبادی تصویری و تصدیقی بحث توسعه، حرف‌های جدید قابل قبولی برای گفتن داشته باشند. در باب فلسفه تاریخ، نگرش فرد گرایانه یا نگرش جمع گرایانه؟ در باب وجود نظام‌های اقتصادی، روان‌شناختی، حکومتی در اسلام، در باب تکثیر گرایشی دینی و گفتمان ملت‌ها، در باب اهداف تولید و مصرف و توزیع و دهها و صدها نمونه دیگر...

### نقش کاربردی روحانیت در توسعه

پس از مسلم انگاشتن این فرضیه که روحانیت باید در عرصه فرضیه‌سازی و موزون ساختن مبانی توسعه بالارزش‌های دینی به تلاشی مندیگ همت گمارد - کاری که تاکنون انجام نپذیرفته است - نوبت به جنبه‌های عینی مشارکت روحانیت در توسعه همه جانبه نظام می‌رسد. اگرچه این مبحث نیز مانند مبحث پیشین بسیار پر دامنه و مفصل است اما به گونه‌ای فشرده، برخی از زوایای حضور بایسته و علمی روحانیت در توسعه کشور را برمی‌شمریم:

#### ۱. توسعه سیاسی

در این ایام کلمه توسعه سیاسی زیاد به گوش می‌خورد، همدچنین بحث تقدم آن بر توسعه اقتصادی یا تأخرش، فعلاً بدون ورود در این بحث، باید گفت، روحانیت نقش شگرفی در توسعه سیاسی جامعه و آحاد مردم می‌تواند به عهده داشته باشد، چه توسعه سیاسی به معنای تکامل ساختارهای کشورداری و روابط حکومتی (نهادهای دولت



## ● هیچ فرهنگ و تمدنی بدون یک هاضمه قوی فرهنگ ساز توان رویارویی با

فرهنگ‌ها و تمدن‌های غیر خودی را ندارد. الگوی توسعه نیز یک متاع فرهنگی است

که در صورتی که در چارچوب جغرافیای آرمانی خودی تعریف شود، نه تنها مضر

نیست بلکه بسیار رهگشا و دلکش خواهد بود.

### ۲. توسعه اقتصادی

اگرچه در بادی امر، چندان ارتباطی بین اقتصاد کاربردی و روحانیت دیده نمی‌شود، اما با تأمل در مسأله درمی‌یابیم که سازمان روحانیت و اندیشمندان آن می‌توانند در شکوفایی اقتصاد بسیار سهیم باشند، با پذیرش نظام اقتصاد اسلامی در مرحله تئوری، روحانیت باید بتواند راه کارهای کلان رسیدن به یک جامعه اقتصادی سالم و کارآمد و بدور از ظلم و فقر را تبیین نماید.

تعیین سطح متوسط زندگی مردم، ترغیب جامعه به تولید و پرهیز از مصرف‌زدگی، تشویق مردم به فعالیت‌های اقتصادی به‌عنوان عمل خیر و متجلی ساختن این سفارش‌ها در زندگی و عملکرد خود روحانیت از اموری است که در توسعه اقتصادی مؤثر است.

ناگفته نماند که میزان و نحوه مشارکت سازمان روحانیت در ابعاد مختلف توسعه به ویژه توسعه سیاسی و اقتصادی منوط به شناخت جایگاه آن در کل سیستم مدیریت جامعه است و پیش از آن، ما دچار همین تداخل مسؤولیت‌ها و نابسامانی‌ها خواهیم بود.

روحانیت گرامی باید بپذیرد که به هر شکل مناسب می‌بایست فرآیند رشد کل درآمد و درآمد سرانه را که با تغییرات اساسی در ساختار اقتصادی کشور همراه باشد با تقویت و تسریع کند. منظور از تغییرات اساسی عبارتند از:

- اهمیت فزاینده فعالیت‌های کشاورزی.
- کاهش وابستگی به واردات کالاهای مصرفی و سرمایه‌ای پیشرفته‌تر.
- تقلیل وابستگی به صدور محصولات کشاورزی و معدنی به‌عنوان صادرات اصلی.
- کاهش اتکا به کمک دیگر کشورها در فراهم آوردن پول جهت سرمایه‌گذاری.
- تربیت نیروی انسانی کارآمد برای بخش‌های مختلف اقتصاد.
- افزایش تولیدات داخلی که قابل رقابت در بازارهای جهانی باشند.
- تقلیل مصرف عمومی و ایجاد روحیه قناعت و پسن‌انداز ملی.

### توسعه فرهنگی

تنوع مفاهیم و وسعت معنایی اصطلاح فرهنگ چنان بعد گسترده‌ای یافته است که دیگر نمی‌توان آن را منحصر به مفهوم و معنای دانش و تربیت محدود دانست. امروزه در تعاریف ارائه شده از فرهنگ، به معنای لغوی آن توجهی نمی‌شود و عمدتاً ابعاد جامعه‌شناسانه، مردم‌شناسانه و روان‌شناسانه آن در نظر گرفته می‌شود. بر این اساس تعداد تعاریف فرهنگ به دوست و حتی بیشتر می‌رسد و مفاهیم که هر روزه بایستند بایشوند فرهنگ نظیر: فرهنگ شهری، فرهنگ روستایی، فرهنگ عشایری، فرهنگ ماشینی، خرده فرهنگ، بی‌فرهنگ، هویت فرهنگی و... به کار می‌روند هیچکدام معیار یا تعاریف مطرح شده نمی‌باشند. در یکی از تعاریف چنین آمده است:

«فرهنگ، کلیت هم‌نافته‌ای است شامل دانش، دین، هنر، قانون، اخلاقیات، آداب و رسوم و هر گونه توانایی و عادت‌هایی که آدمی به‌عنوان عضو جامعه به دست می‌آورد». یا نگرش به این تعریف، در می‌یابیم که تکلیف روحانیت در بیان احکام خلاصه نمی‌شود و فرهنگ‌ساز بودن نیازمند وقوف و تسلط بر مجموعه عناصر فرهنگ مانند دانش، هنر، آداب و... می‌باشد. امید است که روزی فرارسد که روحانیت معظم شیعه، بتواند بیش از پیش در توسعه نظری و عملی و همه‌جانبه کشور عزیزمان کوشا و توفیق‌مند باشد.

رساله جامع علوم انسانی

### پی‌نوشت:

در تألیف این مقاله از مجموعه کتابهای سازمان مدیریت صنعتی (توسعه اجتماعی نظام فکری) استفاده شده است.

